



IRI Military Command and Staff University

<https://www.jcwst.ir/>



Online: 2645-7172

Investigating the foundations of cognitive superiority in Shiite jurisprudence; the concepts of competition, conflict, strife, and confrontation

 Nima Arzani¹ ✉

First author's Affiliation: Email: nima.arzani@gmail.com

Second author's Affiliation

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received 15 jun 2025

Received in revised form

22 June 2025

Accepted

07 jul 2025

Published online

19 dec 2025

Keywords:

*Cognitive superiority
jurisprudence,,
competition, conflict,
dispute, confrontation.*

ABSTRACT

This article examines the foundations of cognitive superiority of the concepts of competition, conflict, strife, and confrontation in Shiite jurisprudence. Competition in Shiite jurisprudence is examined with an emphasis on ethical principles and justice, and it is shown how healthy competition can lead to economic and social progress, while unfair and ruthless competition can threaten public interests. This article also analyzes social conflicts and conflicts, and we conclude that Shiite jurisprudence, using principles such as *ijtihad* and consensus, can help resolve conflicts and conflicts in contemporary society. Cognitive superiority is proposed as a tool for analyzing complex social and jurisprudential issues, and Shiite jurisprudence, using rational and religious tools, can be effective in solving contemporary problems. Finally, the article concludes that Shiite jurisprudence, by adapting its principles to the challenges of the day, is able to provide effective and fair solutions to contemporary social and legal issues. This research examines how jurisprudential concepts adapt to today's social conditions and their role in solving contemporary problems, and has shown that Shiite jurisprudence, as a legal and ethical framework, has reliable solutions to contemporary challenges.

Cite this article: Author, A. A., Author, B. B., & Author, C. C. (year). Article title. *Journal Title*, 56 (1), 1-20.

DOI: https://www.jcwst.ir/article_224420.html



Publisher: IRI Military Command and Staff University



بررسی مبانی برتری شناختی در فقه شیعه؛ مفاهیم رقابت، تعارض، نزاع و تقابل

نویسنده: نیما ارزانی^۱

دانشجوی دکتری گروه فقه و اصول، حوزه علمیه قم پست الکترونیکی: nima.arzani@gmail.com

اطلاعات مقاله

چکیده

این مقاله به بررسی مبانی برتری شناختی مفاهیم رقابت، تعارض، نزاع و تقابل در فقه شیعه پرداخته است. رقابت در فقه شیعه با تأکید بر اصول اخلاقی و عدالت بررسی می‌شود و نشان داده می‌شود که چگونه رقابت سالم می‌تواند منجر به پیشرفت اقتصادی و اجتماعی شود، در حالی که رقابت ناعادلانه و بی‌رحمانه می‌تواند منافع عمومی را تهدید کند. همچنین در این مقاله به تحلیل تعارضات و نزاع‌های اجتماعی پرداخته می‌شود و به این نتیجه می‌رسیم که فقه شیعه با استفاده از اصولی چون اجتهاد و اجماع می‌تواند به حل تعارضات و نزاع‌ها در جامعه معاصر کمک کند. برتری شناختی به‌عنوان ابزاری برای تحلیل مسائل پیچیده اجتماعی و فقهی مطرح می‌شود و فقه شیعه با بهره‌گیری از ابزارهای عقلانی و شرعی می‌تواند در حل مشکلات معاصر مؤثر واقع شود. در نهایت، مقاله به این نتیجه می‌رسد که فقه شیعه با انطباق اصول خود بر چالش‌های روز، قادر به ارائه راه‌حل‌های مؤثر و عادلانه برای مسائل اجتماعی و حقوقی معاصر است. این تحقیق به بررسی چگونگی تطبیق مفاهیم فقهی با شرایط اجتماعی امروز و نقش آن‌ها در حل مشکلات معاصر پرداخته و نشان داده است که فقه شیعه به‌عنوان یک چارچوب حقوقی و اخلاقی، راه‌حل‌های قابل اعتمادی برای چالش‌های معاصر دارد.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۳/۲۵

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۴/۰۴/۰۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۴/۱۶

تاریخ انتشار:

۱۴۰۴/۰۹/۲۸

کلیدواژه‌ها:

برتری

شناختی، فقه، رقابت،

تعارض، نزاع، تقابل.

استناد: نام خانوادگی، نام؛ نام خانوادگی، نام؛ و نام خانوادگی، نام (سال). عنوان مقاله. عنوان مجله، ۲ (۴)، ۱-۲۰.

DOI: https://www.jcwst.ir/article_224420.html



ناشر: دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران

مقدمه

فقه شیعه به‌عنوان یکی از غنی‌ترین و جامع‌ترین نظام‌های حقوقی و اخلاقی، همواره در تلاش بوده تا روابط انسانی را بر پایه عدالت، عقلانیت و اخلاق هدایت کند. مفاهیمی همچون رقابت، تعارض، نزاع و تقابل در روابط اجتماعی از جمله موضوعاتی هستند که در فقه شیعه جایگاه ویژه‌ای دارند و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر تعاملات انسانی تأثیر می‌گذارند. در این میان، مفهوم «برتری شناختی» به‌عنوان ابزاری برای پیشگیری یا حل تعارضات، نقشی محوری در هدایت رفتارهای فردی و جمعی دارد.

مفهوم رقابت در فقه شیعه به‌عنوان یکی از ابزارهای تعالی انسان در جامعه اسلامی تعریف شده است. این مفهوم از روایات متعددی مانند تأکید بر مسابقه در خیرات و افزایش اعمال صالح الهام گرفته است. در همین راستا، علمای شیعه معتقدند رقابت سالم می‌تواند باعث ارتقای تعاملات اجتماعی و اخلاقی شود (یوسفی، ۱۳۹۴). در ادبیات فقهی، رقابت تنها زمانی مشروع است که منافع عمومی و حقوق دیگران حفظ شود و از افراط و تلبانی که باعث انحصار می‌شود، جلوگیری شود (بوکانی، ۱۳۹۱).

تعارض در نظام فقه شیعه غالباً به تناقض ظاهری میان روایات یا قواعد شرعی اشاره دارد. این موضوع در اصول فقه به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است و راهکارهایی نظیر رجوع به محکومات یا تطبیق با قرآن کریم برای رفع این تعارض ارائه شده‌اند (مرتضوی و همکاران، ۱۴۰۲). شیخ طوسی در کتاب استبصار به‌ویژه به اهمیت حل تعارض در روایات پرداخته و تقیه را یکی از عوامل کلیدی در تحلیل و فهم این تعارضات می‌داند (احمدی و همکاران، ۱۴۰۰).

نزاع و تقابل در فقه شیعه بیشتر در بستر مسائل حقوقی و اختلافات میان افراد مورد بررسی قرار می‌گیرد. فقها تأکید دارند که هدف از بررسی این مفاهیم، کاهش نزاع و ترویج عدالت اجتماعی است. استفاده از اصول کلی عدالت و انصاف، همراه با قواعدی نظیر صلح و سازش، نشان‌دهنده تأثیر عمیق آموزه‌های فقهی در حل مسائل عملی است (ابوعطا و همکاران، ۱۳۹۹). برتری شناختی در این حوزه زمانی محقق می‌شود که طرفین از استدلال‌های قوی فقهی و منطقی برای رسیدن به یک توافق استفاده کنند (همان).

بررسی مفاهیم مرتبط با تعارض و رقابت در فقه شیعه نشان می‌دهد که این مفاهیم نه تنها در بعد نظری، بلکه در جنبه‌های عملی و اجتماعی نیز مورد توجه فقها قرار گرفته‌اند. تعارض‌های اجتماعی که غالباً ناشی از تضاد منافع یا تفاوت‌های فرهنگی و فکری است، در متون فقهی به‌عنوان مسائلی قابل حل از طریق اصول اخلاقی و قواعد شرعی تلقی می‌شوند (باقری و بوکانی، ۱۳۸۷). به همین دلیل، فقه شیعه تأکید دارد که رقابت باید به‌گونه‌ای هدایت شود که ضمن تقویت انسجام اجتماعی، از هرگونه منازعه و نزاع جلوگیری کند (یوسفی، ۱۳۹۴).

نزاع در متون فقهی معمولاً به شکل اختلافات حقوقی و قضایی تبلور می‌یابد و علما بر این باورند که استفاده از ابزارهای معرفتی نظیر اجتهاد و قیاس می‌تواند نقش کلیدی در حل این اختلافات ایفا کند. بر اساس نظرات شیخ مفید، هر نوع نزاعی که به آسیب اجتماعی منجر شود، باید با استفاده از اصول صلح و آشتی مهار شود (مفید، ۱۴۱۰ ق). در این میان، تطبیق مفاهیم شرعی با نیازهای جامعه معاصر می‌تواند به کاهش نزاع‌ها و افزایش عدالت اجتماعی کمک کند (صدیقی، ۱۳۹۰).

فقه شیعه به‌طور ویژه‌ای به مفهوم برتری شناختی توجه کرده و آن را در راستای ارتقای تعاملات انسانی و مدیریت تعارضات به‌کار گرفته است. برتری شناختی، به‌معنای توانایی افراد یا گروه‌ها در بهره‌گیری از دانش و منطق برای ایجاد تفاهم و حل مسائل، از اصول اساسی در حل اختلافات به‌شمار می‌رود. علامه حلی در کتاب مختلف‌الشیعه بر اهمیت استفاده از استدلال منطقی و عقلانی در مذاکرات تأکید دارد (علامه حلی، ۱۴۲۰ ق). اهمیت این مفاهیم در فقه شیعه زمانی آشکارتر می‌شود که به رویکردهای تطبیقی آن با سایر مکاتب فقهی یا حقوقی پرداخته شود. به‌عنوان مثال، مقایسه مفهوم تعارض در فقه شیعه با رویکردهای حقوق بین‌الملل نشان می‌دهد که اصول فقهی به دلیل تأکید بر رعایت عدالت و انصاف، از ظرفیت‌های قابل توجهی در مدیریت تعارضات بین‌المللی برخوردارند این تطبیق‌ها می‌تواند به غنای نظری و عملی فقه شیعه کمک کند (نجفی، ۱۳۹۱).

به‌طور کلی، فقه شیعه با ارائه راهکارهایی نظیر تنظیم قواعد رقابت، ایجاد سازوکارهای حل تعارض و تقویت برتری شناختی، تلاش کرده است تا ضمن کاهش نزاع‌ها، بر همبستگی اجتماعی تأکید کند. این رویکردها با استفاده از منابعی چون قرآن، سنت،

اجماع و عقل شکل گرفته‌اند و زمینه‌ساز توسعه نظریه‌های اجتماعی و حقوقی در این مکتب شده‌اند (غنی نژاد، ۱۳۸۰)

روش‌شناسی

این پژوهش با استفاده از روش تحلیل کیفی و کتابخانه‌ای انجام شده است. داده‌های مورد استفاده شامل متون فقهی و اصولی، روایات اسلامی و تفاسیر معتبر می‌باشد. روش تحقیق در دو بخش اصلی تبیین شده است:

۱. تحلیل متون فقهی و اصولی

در این بخش، متون کلاسیکی مانند مکاسب شیخ انصاری، استبصار شیخ طوسی و کافی کلینی برای استخراج مفاهیم رقابت، تعارض، نزاع و تقابل مورد بررسی قرار گرفت. ابزار اصلی در تحلیل این متون، تطبیق روایات با اصول فقهی نظیر عدالت، تقیه و اجماع است (نجفی، ۱۳۹۱). همچنین، آثار معاصر مانند تفاسیر المیزان و نمونه برای تحلیل مفاهیم قرآنی مرتبط استفاده شد (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق)

۲. تطبیق با مسائل اجتماعی و حقوقی

این پژوهش تلاش کرده است تا مفاهیم نظری را به مسائل اجتماعی و حقوقی معاصر پیوند دهد. برای این منظور، دیدگاه‌های تطبیقی میان فقه شیعه و مکاتب حقوقی مدرن نیز در نظر گرفته شد. این روش بر تحلیل داده‌ها از طریق تفکر استنتاجی تأکید دارد (زاهدی و همکاران، ۱۴۰۲).

۳. تعریف و تحلیل مفاهیم در فقه شیعه

تحلیل متون فقهی نشان می‌دهد که مفاهیم رقابت، تعارض، نزاع و تقابل در متون شیعه به‌طور گسترده‌ای مورد بررسی قرار گرفته‌اند. رقابت به‌عنوان یک ابزار برای پی‌شرف و ارتقای فردی و اجتماعی مطرح شده است، مشروط بر اینکه همراه با رعایت عدالت و احترام به حقوق دیگران باشد (آل اسحق، باریکلو، ۱۴۰۱). از سوی دیگر، تعارض عمدتاً به تضاد میان نصوص شرعی اشاره دارد که در این زمینه از اصول حل تعارض مانند تقیه و اجماع استفاده می‌شود (سیاه بیدی، ۱۴۰۲).

۴. نقش برتری شناختی در حل تعارضات

تحلیل‌ها نشان می‌دهد که برتری شناختی به‌عنوان یکی از ویژگی‌های کلیدی در حل تعارضات و مدیریت نزاع‌ها مورد توجه قرار گرفته است. این مفهوم که برگرفته از

آموزه‌های قرآنی و روایات اهل بیت (ع) است، به قدرت استدلال و توانایی درک عمیق از مسائل شرعی اشاره دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق). به‌عنوان مثال، استفاده از مفاهیم عقلانی در حل مسائل خانوادگی یا اقتصادی می‌تواند از گسترش نزاع جلوگیری کند و جامعه را به سمت آرامش سوق دهد (اسلامی، ۱۳۹۹).

۵. تطبیق مفاهیم با مسائل اجتماعی معاصر

فقه شیعه با تطبیق مفاهیم شرعی با مسائل روز، از جمله اختلافات اقتصادی و اجتماعی، تلاش کرده است تا راه‌حل‌های عملی و کاربردی ارائه دهد. به‌عنوان مثال، اصولی نظیر انصاف و عدالت، می‌توانند در تدوین سیاست‌های اقتصادی عادلانه یا مدیریت تعارضات اجتماعی نقش کلیدی داشته باشند این نشان می‌دهد که فقه شیعه، علاوه بر ابعاد نظری، ظرفیت بالایی برای حل مسائل عملی نیز دارد (مبلغی، ۱۳۸۲).

رقابت در فقه شیعه

مفهوم رقابت در فقه شیعه به‌عنوان یک رفتار اجتماعی مطرح است که در آن از سان‌ها برای به دست آوردن منابع، موقعیت‌ها، یا موفقیت‌های خاصی تلاش می‌کنند. از منظر فقهی، رقابت سالم باید در چهارچوب اصول اخلاقی و شرعی صورت گیرد. در این دیدگاه، رقابت‌هایی که باعث تضعیف انسجام اجتماعی یا آسیب به حقوق دیگران شوند، مذموم تلقی می‌شوند (قنوتی، جعفری، ۱۳۹۹).

فقها معتقدند که رقابت به‌عنوان ابزار انگیزشی، می‌تواند باعث رشد و پیشرفت جامعه اسلامی شود. به‌عنوان نمونه، روایات متعددی از امام علی (ع) بر لزوم پیشی گرفتن در کارهای خیر تأکید دارد یا آیه شریف «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ». این اصل رقابت را به‌عنوان یک ارزش دینی مطرح می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق).

در آیه ۱۳۳ سوره آل عمران آمده است: «وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ» (و در طلب مغفرت از پروردگارتان و بهشت که عرض آن آسمان‌ها و زمین است، شتاب کنید، که برای پرهیزگاران آماده شده است). این آیه به نوعی از رقابت دعوت می‌کند که انسان‌ها در جستجوی مغفرت و بهشت رقابت کنند، که در این زمینه نیز هدف غایی ارتقای روحی و معنوی فرد است. حضرت علی علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند: «سارعوا الی أداء الفرائض» برای انجام تکالیف الهی بر یکدیگر سرعت بگیرید.

در آیه ۹۵ سوره نحل آمده است: "وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا ۚ إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ" (آیات خدا را به قیمت ناچیز نفروشید؛ چیزی که در نزد خداوند برای شما بهتر است). این آیه به نوعی نشان‌دهنده رقابت در عمل به آیات الهی و جلوگیری از فریب خوردن به منافقین است.

تعارض در فقه شیعه

تعارض در فقه شیعه اغلب به دو شکل مطرح می‌شود: تعارض میان روایات: فقها از اصولی نظیر ترجیح به مرجحات داخلی یا خارجی، اجتهاد، و تقیه برای حل این تعارضات استفاده می‌کنند.

تعارض میان حقوق افراد و جامعه: در این نوع، حقوق فردی در برابر مصالح جمعی سنجیده می‌شود. به عنوان مثال، در مباحثی مانند اموال عمومی، تعارض میان مالکیت خصوصی و نیازهای عمومی از طریق قواعدی نظیر «قاعده لا ضرر» یا «قاعده نفی سبیل» حل می‌شود (نعمت‌اللهی و امامی پور، ۱۳۸۹).

آیه ۴ سوره حجرات: "وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا..." (اگر دو گروه از مؤمنین با یکدیگر به نزاع بپردازند، میان آنها صلح برقرار کنید). این آیه به صراحت به تعارضات اجتماعی میان مسلمانان اشاره می‌کند و تأکید دارد که در صورت وقوع چنین تعارضاتی، باید در جهت اصلاح و صلح میان طرفین اقدام شود. این موضوع نشان می‌دهد که تعارضات باید به‌طور اخلاقی و با توجه به اصول اسلامی مدیریت شوند.

آیه ۱۰ سوره حجرات: "إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ..." (مؤمنان تنها برادر هم‌اند، پس میان دو برادر خود اصلاح کنید). این آیه نیز به اصلاح اختلافات و تعارضات در میان مسلمانان تأکید دارد و بر لزوم تلاش برای بازسازی روابط اجتماعی و رفع سوءتفاهم‌ها میان افراد تأکید می‌کند.

آیه ۵۸ سوره النساء: "إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ..." (خداوند شما را دستور می‌دهد که امانات را به صاحبانشان برسانید و در صورت قضاوت میان مردم، با عدل قضاوت کنید). در این آیه به لزوم اجرای عدالت در رسیدگی به تعارضات و اختلافات اشاره شده است و نشان می‌دهد که تعارضات باید به‌گونه‌ای حل شوند که عدالت رعایت گردد.

آیه ۳۰ سوره بقره: "وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً..." (و هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی خواهم گماشت...). در این آیه، به

خلقت انسان و نقش او در زمین اشاره شده است و به طور غیرمستقیم به مسئولیت انسان‌ها در برابر یکدیگر و در مدیریت تعارضات اجتماعی و اجتماعی اشاره دارد.

نزاع و تقابل در فقه شیعه

نزاع به عنوان اختلافی که ممکن است به تعارض میان افراد یا گروه‌ها بیانجامد، در متون فقهی اهمیت ویژه‌ای دارد. فقها تأکید دارند که نزاع باید از طریق صلح و سازش حل شود. به عنوان مثال، در کتاب القضاء شیخ طوسی، روش‌هایی نظیر حکمیت و صلح به عنوان ابزارهایی برای حل اختلافات معرفی شده‌اند (قاضی زاده، ۱۳۸۵).

آیه ۸ سوره صف "يُرِيدُونَ لَيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُنِيرٌ نُّورِهِ..." (آن‌ها می‌خواهند نور خدا را با دهان‌هایشان خاموش کنند، اما خداوند نور خود را کامل خواهد کرد). این آیه در مورد افرادی است که در برابر دین و اصول الهی با تقابل و مخالفت ایستاده‌اند. در فقه شیعه، این تقابل‌ها به عنوان تهدیدی برای امنیت اجتماعی و دینی شناخته می‌شوند که باید با روش‌های منطقی و دینی حل شوند. منظور از خاموش کردن نور خدا با دهن‌هایشان، نوعی تمسخر به اراده آنهاست که می‌خواستند با این گفتارشان درباره قرآن که سحر است اسلام را باطل کنند پس خداوند حال آنها را به حال کسی تشبیه کرده که با دهان خود در خورشید می‌دمد تا آن را خاموش کند.

آیه ۳۴ سوره نساء "الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ..." (مردان سرپرست زنانند به سبب آن که خداوند بعضی از آن‌ها را بر بعضی دیگر برتری داده است...) این آیه به طور غیرمستقیم به نزاع‌های خانوادگی و تقابل‌های اجتماعی اشاره دارد. در فقه شیعه، این آیه پایه‌گذار اصولی برای حل مشکلات خانوادگی و جلوگیری از نزاع‌های فیزیکی یا کلامی است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کتک زدن شما نباید به نحوی باشد که اثر آن در جسم زن نمودی داشته باشد، یا کتک نشانه خودنمایی و اظهار قدرت مرد باشد که زهره چشمی بگیرد. «ضرباً غیر مبرج»

امام صادق علیه السلام فرمودند: ن‌شوز زن آن است که در فراش (هم‌بستر شدن) از شوهر تبعیت نکند و مقصود از «اضربوهن»، زدن با چوب مسواک و شبیه آن است، زدنی که از روی رفق و دوستی باشد.

آیه ۳ سوره طلاق "وَيَرْزُقَهُ مِنْ حَيْثُ لَّا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ" (خداوند کسانی را که از او نزدیکی جویند، یاری می‌کند و کسانی که در راه او تلاش

کنند را تقویت می‌کند). این آیه به تقابل‌های بین حق و باطل و به تعارض‌هایی اشاره دارد که در مسیر ایمان و جهاد اتفاق می‌افتد. در فقه شیعه، این نوع نزاع‌ها به عنوان جنگ‌های اخلاقی و فکری علیه ظلم و فساد در نظر گرفته می‌شود.

آیه ۲۷ سوره ابراهیم "يُنَبِّئُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ" (کسی که به پروردگار خود پاسخ می‌دهد و به او ایمان دارد و کارهای صالح انجام می‌دهد، آن‌ها در بهشت‌های نعمت خواهند بود). این آیه همچنین به مقابله و تقابل‌هایی اشاره دارد که در روند انتخاب مسیر درست و زندگی بر اساس اصول اسلامی بوجود می‌آید (فیروزآبادی، ۱۳۹۴).

در فقه شیعه، نزاع و تقابل به‌ویژه در شرایط اجتماعی و فردی به‌عنوان یک پدیده منفی و مضر برای جامعه شناخته می‌شود. در حالی که قرآن به حل تعارضات و تقابل‌ها با اصلاح و صلح‌طلبی دعوت می‌کند، فقه شیعه بر این تأکید دارد که در صورت بروز نزاع‌ها، باید از روش‌های مسالمت‌آمیز، قضاوت عادلانه و اصلاح‌گرانه برای برطرف کردن آن‌ها استفاده کرد. به‌ویژه در مواردی که ممکن است نزاع‌ها منجر به فساد، تباهی و تفرقه در جامعه شوند، فقه شیعه تأکید دارد که باید از هرگونه اقدام خشونت‌آمیز و ناعادلانه اجتناب کرد. این اصول به‌ویژه در امور اجتماعی، خانوادگی، و سیاسی مورد توجه قرار می‌گیرند و از همین رو، در فقه شیعه مفهوم "صلح" و "اصلاح میان مسلمانان" از اهمیت بالایی برخوردار است (قاضی زاده، ۱۳۸۵).

برتری شناختی در فقه شیعه

برتری شناختی به معنای توانایی استفاده از عقل و استدلال در کنار نصوص شرعی، از ویژگی‌های اصلی نظام فقهی شیعه است. این ویژگی، فقها را قادر می‌سازد تا با درک عمیق‌تر از مفاهیم شرعی، به ارائه راه‌حل‌های نوین بپردازند. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان اشاره می‌کند که برتری شناختی، محصول تعامل میان وحی و عقل است (بهشتی پور، ۱۳۹۰).

آیه ۲۶۹ سوره بقره "يُؤْتِي الْجِدْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْجِدْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا..." (خداوند حکمت را به هر کس که بخواهد عطا می‌کند و هر کس حکمت یابد، به حقیقت خیر زیادی به او داده شده است). این آیه به برتری شناختی اشاره دارد که در نتیجه بخشیدن به حکمت و دانش است. در فقه شیعه، این آیه نشان‌دهنده اهمیت استفاده از عقل و حکمت در فرآیند تصمیم‌گیری‌های دینی و اجتماعی است. گاه

می‌شود که خداوند اراده عذاب و مجازات مردم روی زمین را می‌کند، ولی هنگامی که بشنود معلمی به کودکان حکمت می‌آموزد، به خاطر این عمل، عذاب را از آنها دور می‌سازد"

آیه ۱۲ سوره انفال "الَّذِينَ كَفَرُوا الرَّعْبَ..." (و وقتی آنها را دیدند، قلب‌هایشان دچار ترس و شگفتی شد). این آیه به نوعی اشاره به قدرت و برتری شناختی دارد، زیرا انسان‌ها بر اساس فهم و درک خود از واقعیت‌ها واکنش نشان می‌دهند.

آیه ۴ سوره صف "إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَرَّضُونَ" (خداوند کسانی را که در راه او در تلاش هستند دوست می‌دارد). این آیه به برتری افرادی که در مسیر درک حقیقت و عمل به آن حرکت می‌کنند، اشاره دارد. در فقه شیعه، چنین فردی به‌طور غیرمستقیم به کسی اطلاق می‌شود که برتری شناختی در دین و علم دارد. در تاریخ آمده است که در جنگ صفین حضرت امیر علیه السلام برای بالا بردن انگیزه یاران خود، این آیه را تلاوت فرمودند.

آیه ۱۱ سوره زمر "قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ..." (بگو، به‌درستی که من مأمور شده‌ام تا تنها خدا را بپرستم و دین را برای او خالص کنم). این آیه به‌طور غیرمستقیم به برتری شناختی اشاره دارد، زیرا بر اساس این آیه، فرد باید به حقیقت دینی دست یابد و آن را درک کرده و به‌درستی در زندگی خود اعمال کند.

در فقه شیعه، برتری شناختی نه‌تنها در درک مفاهیم دینی بلکه در اتخاذ تصمیمات عادلانه و عاقلانه در امور اجتماعی، سیاسی و فردی نیز مطرح است. به‌ویژه در احکام فقهی و اصول اجتهاد، فقیه باید به‌طور عقلانی و منطقی به مسائل دینی نگاه کند و با استفاده از علم و حکمت به قضاوت بپردازد. در این زمینه، عقل به‌عنوان یکی از منابع اصلی استنباط احکام فقهی و دینی در فقه شیعه شناخته می‌شود. آیات قرآن کریم که به برتری شناختی اشاره دارند، به‌ویژه در زمینه حکمت، علم و عقل، بر اهمیت تلاش برای رسیدن به درک درست از حقیقت دینی و اجتماعی تأکید دارند. فقه شیعه نیز با تکیه بر این آموزه‌های قرآنی، بر لزوم استفاده از عقل و علم در فهم دقیق و درست مسائل دینی تأکید دارد. به‌طور کلی، مفاهیم رقابت، تعارض، نزاع و برتری شناختی در فقه شیعه نه‌تنها جنبه نظری دارند، بلکه کاربردهای عملی آن‌ها در مدیریت جامعه و حل مسائل اجتماعی نیز قابل مشاهده است. این مفاهیم با استفاده از ابزارهایی نظیر عدالت، تقیه و اجماع، قابلیت اجرا در بستر جامعه را پیدا می‌کنند (قدرتی، ۱۳۹۶).

نقش برتری شناختی در حل تعارضات

برتری شناختی (Cognitive Superiority) به توانایی فرد در پردازش اطلاعات، تحلیل منطقی و مدیریت هیجانات در موقعیت‌های تعارض‌آمیز اشاره دارد. افرادی که از این ویژگی برخوردارند، با ترکیب تفکر انتقادی، انعطاف‌پذیری ذهنی و همدلی، می‌توانند تعارضات را به شیوه‌ای سازنده حل کنند. این برتری به آن‌ها کمک می‌کند تا به جای تمرکز بر مواضع شخصی، بر منافع مشترک متمرکز شوند، راه‌حل‌های خلاقانه ارائه دهند و از تحریف‌های شناختی (مانند ذهن‌خوانی یا تعمیم مبالغه‌آمیز) اجتناب کنند. مطالعات نشان می‌دهند که چنین افرادی در محیط‌های کاری و روابط بین‌فردی، با کاهش تنش و افزایش همکاری مواجهند، چرا که قادرند پیچیدگی‌های موقعیت را درک کرده و پاسخ‌های انطباقی ارائه دهند (Zhang et al., 2023).

مفهوم برتری شناختی در فقه شیعه

برتری شناختی در فقه شیعه به معنای دستیابی به توانایی تحلیلی و شناختی است که فرد یا جامعه را قادر می‌سازد مسائل پیچیده را با استفاده از ابزارهای عقلانی و نصوص شرعی حل کند. این مفهوم به‌ویژه در شرایطی که تعارض‌های فکری یا حقوقی ایجاد می‌شود، اهمیت پیدا می‌کند. از دیدگاه فقه شیعه، برتری شناختی زمانی محقق می‌شود که فقها بتوانند با تلفیق عقل و وحی، به درک جامعی از نصوص و اصول فقهی برسند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق).

اهمیت برتری شناختی در حل تعارضات شرعی

فقه شیعه بر اساس اصولی مانند اجتهاد و اجماع، ابزارهای حل تعارض شرعی را توسعه داده است. تعارض‌های شرعی اغلب ناشی از وجود ظواهر متناقض در نصوص دینی است. در اینجا، فقهایی که از برتری شناختی برخوردار هستند، می‌توانند با استفاده از قواعد اصولی مانند ترجیح مرجحات، تعارض‌ها را حل کنند. به‌عنوان مثال، شیخ طوسی در استبصار بر ضرورت استفاده از عقل در فهم نصوص تأکید دارد (شاهسوند و صبحیه، ۱۴۰۰).

کاربرد عملی برتری شناختی در تعارضات اجتماعی

در حوزه تعارضات اجتماعی، برتری شناختی می‌تواند به کاهش نزاع‌ها و ایجاد تفاهم کمک کند. یکی از نمونه‌های عملی این مفهوم، مدیریت اختلافات خانوادگی است که در آن فقها از ابزارهایی مانند قواعد اخلاقی و عدالت بهره می‌برند. برتری شناختی در این

موارد به معنای توانایی فهم عمیق مسائل و ارائه راه‌حل‌های متناسب با شرایط خاص است (اکبری نیا و انصاری، ۱۴۰۰).

راهکارهای تقویت برتری شناختی در نظام فقهی شیعه نظام فقهی شیعه با تکیه بر منابع غنی اسلامی (قرآن، سنت، عقل و اجماع) و روش‌های اجتهادی پویا، بستری منحصر به فرد برای پرورش برتری شناختی (Cognitive Superiority) فراهم می‌کند. برخی راهکارهای کلیدی بر اساس این نظام عبارتند از: توسعه‌ی تفکر اجتهادی مانند استفاده از روش‌های استنباطی مانند قیاس، استصحاب، و سیره‌ی عقلا در حل مسائل نوظهور. تمرین تطبیق اصول کلی فقه (مانند «لَا ضَرَرَ» بر مصادیق مدرن (مثل فضای مجازی یا زیست‌فناوری). تقویت عقلانیت نقاد با تأکید بر حجیت عقل در کنار نقل (روایات) و نقد سندگرایی صرف، تحلیل روایات با محک زدن به قرآن و عقل سلیم (روش علامه طباطبایی در المیزان). تمرین انعطاف‌پذیری فقهی، بهره‌گیری از احکام ثانویه، حکومتی، و مصلحت‌گرایی در شرایط پیچیده، مانند صدور فتوای تغییر قبله‌ی مسلمانان در فضا توسط آیت‌الله مکارم شیرازی.

پرورش مهارت‌های حل تعارض با استفاده از تراحم، ترجیح‌بندی ادله، و جمع عرفی بین نصوص متعارض. تطبیق قاعده‌ی «اهم و مهم» در تعارض حقوق فردی و اجتماعی (مثل محدودیت‌های کرونایی) و یادگیری بینارشته‌ای مثل تلفیق فقه با علوم جدید (روانشناسی، حقوق بشر، اقتصاد) برای پاسخ‌های کارآمد. نظریه‌ی «حقوق شهروندی» در فقه امام خمینی (ره) با الهام از مفاهیم مدرن و همچنین در تمرین سعه‌ی صدر و همدلی مانند تقویت اخلاق فقهی بر پایه‌ی روایات اهل‌بیت (ع) درباره‌ی مدارا و حکمت. تو صیه‌ی امام صادق (ع) به شاگردان برای گوش‌دادن به آرای مخالفان (وسائل‌الشیعه، جلد ۲۷).

توسعه اجتهاد پویا: با استفاده از منابعی مانند قرآن، سنت، اجماع و عقل.
اجتهاد پویا در نظام فقهی شیعه با بهره‌گیری هوشمندانه از چهار منبع اصلی قرآن، سنت، اجماع و عقل به عنوان پایه‌های استنباط احکام، امکان پاسخگویی به نیازهای متغیر جامعه را فراهم می‌سازد. این روش با قرائتی نوین از نصوص دینی و تطبیق اصول کلی بر مصادیق جدید، ضمن حفظ اصالت‌های شرعی، به حل مسائل مستحدثه می‌پردازد. فقه‌های شیعه با ترکیب نص‌گرایی و عقل‌گرایی، از یکسو با استناد به آیات و

روایات معتبر، و از سوی دیگر با به کارگیری ادله عقلی و تحلیل‌های فلسفی، نظامی زنده و پویا را پایه‌ریزی کرده‌اند که قادر است بدون تنازل از موازین شرعی، با چالش‌های دنیای معاصر تعامل سازنده داشته باشد. این رویکرد، فقه شیعه را به دانشی پویا و کارآمد تبدیل کرده که می‌تواند در عین حفظ اصول، با مقتضیات زمان و مکان هماهنگ شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۵).

تربیت علمی و اخلاقی: تأکید بر تقوای علمی در کنار دانش فقهی. نظام فقهی شیعه با تأکید بر تربیت توأمان علمی و اخلاقی، «تقوای علمی» را به عنوان رکن اساسی اجتهاد مطرح می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۸۵، ص ۴۵). این رویکرد بر پایه‌ی آموزه‌های اهل بیت (ع) مانند حدیث «مَنْ تَفَقَّهَ فِي دِينِ اللَّهِ...» (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ج ۱، ص ۳۲) شکل گرفته که عالمان را به تلفیق دانش عمیق فقهی با تهذیب نفس ملزم می‌سازد.

شهید صدر (۱۴۰۸ ق، ص ۸۷) در *المدرسة القرآنية* با محوریت «التزكية قبل التعليم»، الگویی ارائه می‌دهد که در آن، عالم دینی باید همزمان با تسلط بر ادله‌ی فقهی، از هوای نفس و جزم‌گرایی دوری کند. مطالعات نشان می‌دهد این نگاه چندبُعدی، ضامن استمرار اجتهاد پویا است (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۳).

تعامل بین‌المللی: تطبیق اصول فقهی با مسائل جهانی و حقوق بین‌الملل برای پاسخ‌گویی به چالش‌های معاصر (اسلامی، ۱۳۹۹).

مزایای برتری شناختی در فقه شیعه
کاهش نزاع‌های حقوقی و اجتماعی: بهره‌گیری از راه‌حل‌های عادلانه و مبتنی بر اصول دینی.

تقویت انسجام اجتماعی: ایجاد تعامل میان گروه‌های مختلف از طریق ارائه راه‌حل‌های مورد پذیرش عمومی.

ارتقای کارآمدی نظام حقوقی: تطبیق نظریات فقهی با نیازهای روز جامعه.
برتری شناختی در فقه شیعه نه تنها به‌عنوان یک ابزار نظری، بلکه به‌عنوان یک سازوکار عملی برای حل تعارضات و مدیریت نزاع‌ها عمل می‌کند. این مفهوم با بهره‌گیری از اصول اجتهادی، ظرفیت بالایی برای پاسخ‌گویی به چالش‌های اجتماعی و حقوقی در اختیار جامعه اسلامی قرار می‌دهد (موحدی نیا و همکاران، ۱۳۹۷).

تطبیق مفاهیم با مسائل اجتماعی معاصر

۱. رقابت در دنیای معاصر و فقه شیعه

در دنیای امروز، رقابت به‌عنوان یک عنصر کلیدی در بسیاری از عرصه‌ها، از جمله اقتصاد، سیاست و حتی در زندگی شخصی افراد، اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است. در حالی که رقابت به‌طور معمول در جوامع غربی به‌عنوان نیروی محرکه رشد و نوآوری تلقی می‌شود، در فقه شیعه رقابت باید با توجه به اصول اخلاقی و اجتماعی خاصی سنجیده شود. به‌طور مثال، رقابت در بازار باید منطبق بر اصولی همچون انصاف و عدالت باشد تا حقوق دیگران تضییع نشود (یوسفی، ۱۳۹۴). این مفاهیم به‌ویژه در بازارهای اقتصادی و رقابت‌های تجاری امروز مهم است. در این زمینه، فقه اقتصادی به‌عنوان یک شاخه از فقه، به‌طور ویژه تأکید دارد که رقابت باید منطبق با شریعت و نه تنها به‌منظور سودآوری فردی باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق)

۲. تعارضات اجتماعی و فقه شیعه

در مسائل اجتماعی معاصر، تعارضات و اختلافات میان گروه‌ها و افراد معمولاً پیچیده‌تر از گذشته شده است. این تعارضات می‌توانند از مسائل سیاسی، فرهنگی یا حتی اقتصادی ناشی شوند. فقه شیعه با تأکید بر اصولی چون تقیه، اجماع و عدالت، می‌تواند به حل این تعارضات کمک کند. به‌عنوان مثال، در مواقعی که گروه‌های مختلف اجتماعی با منافع متضاد روبه‌رو می‌شوند، بر اساس آموزه‌های فقهی می‌توان از اصولی چون «قاعده لا ضرر» و «قاعده نفی سبیل» برای جلوگیری از تضییع حقوق افراد و گروه‌ها استفاده کرد (مهاجری و میرخانی، ۱۳۹۸)

۳. نزاع‌های اجتماعی و راه‌حل‌های فقهی در دنیای امروز

نزاع‌ها و کشمکش‌های اجتماعی در جوامع امروزی معمولاً به‌دلیل تفاوت‌های فکری، فرهنگی یا مذهبی میان افراد و گروه‌ها ایجاد می‌شود. در فقه شیعه، نزاع‌ها باید از طریق مذاکره، صلح و آشتی حل شوند. روایات متعددی از اهل بیت (ع) در مورد صلح و سازش وجود دارد که به‌عنوان الگوهایی برای حل نزاع‌ها در جامعه می‌تواند استفاده شود. در دنیای معاصر، این مفاهیم در روابط میان کشورها، گروه‌های اجتماعی و حتی در سطح خانواده قابل پیاده‌سازی است (عزیزی و فلاح زاده، ۱۴۰۰).

۴. برتری شناختی و حل تعارضات اجتماعی

یکی از مهم‌ترین ابعاد برتری شناختی در حل تعارضات اجتماعی، توانایی درک و تحلیل دقیق مسائل پیچیده اجتماعی است. در این راستا، فقه شیعه با تأکید بر عقل و استدلال در کنار منابع دینی، به فرد یا جامعه این قدرت را می‌دهد که تعارضات را با دیدگاهی عمیق‌تر و دقیق‌تر مدیریت کند. در دنیای معاصر، این به‌ویژه در شرایطی که جوامع مختلف به دلیل اختلافات فرهنگی یا دینی دچار بحران می‌شوند، اهمیت دارد. برتری شناختی می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای ارتقای سطح تفکر و فهم در حل تعارضات اجتماعی استفاده شود (اسلامی، ۱۳۹۹).

۵. نقش فقه شیعه در پاسخ به چالش‌های معاصر

فقه شیعه با استفاده از منابعی چون قرآن، سنت، اجماع و عقل، راه‌حلی برای مشکلات و چالش‌های اجتماعی معاصر ارائه می‌دهد. به‌عنوان نمونه، در مواجهه با مشکلات اقتصادی و اجتماعی پیچیده، فقه شیعه می‌تواند به‌عنوان یک چارچوب اخلاقی و قانونی برای اصلاح و بهبود شرایط عمل کند. این اصول می‌توانند به‌ویژه در تنظیم سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و حتی در دنیای بین‌المللی کاربرد داشته باشند (صالحی، ۱۴۰۰).

بحث و تحلیل

مفهوم رقابت در فقه شیعه و جامعه معاصر

رقابت در فقه شیعه همانند سایر مکاتب دینی، از اهمیت زیادی برخوردار است، اما در فقه شیعه به دلیل اهمیت اخلاق و عدالت، این مفهوم با دقت بیشتری مورد توجه قرار گرفته است. رقابت در شیعه باید با رعایت اصول اخلاقی و دینی صورت گیرد. به‌عنوان مثال، در محیط‌های اقتصادی، رقابت سالم می‌تواند موجب پیشرفت و رشد اقتصادی شود، در حالی که رقابت‌های ناعادلانه و بی‌رحمانه می‌تواند تبعات منفی زیادی به دنبال داشته باشد. در بسیاری از جوامع اسلامی، ترویج رقابت سالم و با رعایت حقوق دیگران به‌عنوان یک اصل در سیاست‌های اقتصادی دیده می‌شود (یوسفی، ۱۳۹۴). این نکته در جامعه امروز نیز با چالش‌هایی مواجه است، چرا که در دنیای مدرن، پیوندی بین رقابت‌های تجاری و فرهنگی وجود دارد که در صورتی که اصول فقهی به‌درستی به آن اعمال نشود، منجر به گسست‌های اجتماعی و اقتصادی خواهد شد (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق).

تعارض‌ها و چالش‌های شرعی در عصر جدید

تعارضات شرعی و دینی در عصر جدید بیشتر از آنچه که در گذشته دیده می‌شد، با پیچیدگی‌های بیشتری مواجه شده‌اند. در گذشته، تعارضات اغلب میان نصوص شرعی و فقهی وجود داشت، ولی امروزه، با توجه به گسترش تکنولوژی و ارتباطات، این تعارضات به مباحث اجتماعی و اقتصادی نیز کشیده شده‌اند. فقه شیعه در پاسخ به این چالش‌ها اصولی نظیر اجتهاد پویا و انعطاف‌پذیر را در دستور کار قرار می‌دهد. در این راستا، فقها با استفاده از قواعد اصولی مانند مرجحات و قیاس سعی دارند تعارضات را حل کنند (مسعودی و میرزایی، ۱۳۸۸).

نزاع‌های اجتماعی و راه‌حل‌های فقهی

نزاع‌های اجتماعی، به‌ویژه در جوامع چندفرهنگی و متکثر، از چالش‌های بزرگ فقه شیعه در عصر معاصر هستند. در این جوامع، هنگامی که گروه‌ها و افراد در معرض تضادهای فرهنگی و مذهبی قرار می‌گیرند، فقه شیعه به‌عنوان یک چارچوب قانونی و اخلاقی، پیشنهادهایی برای حل این نزاع‌ها ارائه می‌دهد. یکی از اصول برجسته در فقه شیعه، اصول صلح و سازش است که در قالب تولی و تبری مطرح می‌شود. این اصول به‌ویژه در جوامع متنوع می‌توانند به کاهش تنش‌ها و ایجاد فضای صلح‌آمیز کمک کنند (کولسن، ۱۳۸۹).

برتری شناختی و تطبیق آن با چالش‌های اجتماعی معاصر

برتری شناختی، که به معنای تسلط بر تفکر عقلانی و فقهی است، می‌تواند به‌ویژه در حل تعارضات و نزاع‌های اجتماعی و اقتصادی مفید باشد. در دنیای معاصر، برتری شناختی موجب می‌شود تا فقها و متخصصان دینی توانایی درک و حل مسائل پیچیده اجتماعی را داشته باشند. یکی از حوزه‌هایی که این برتری شناختی می‌تواند مفید باشد، حل مسائل پیچیده اقتصادی است که در آن، تعارضات میان حقوق فردی و مصالح جمعی وجود دارد. فقه شیعه با بهره‌گیری از ابزارهایی چون قاعده لا ضرر، می‌تواند در مواردی که تعارض میان حقوق فردی و عمومی بروز می‌کند، راه‌حل‌هایی مؤثر ارائه دهد (اسلامی، ۱۳۹۹).

فقه شیعه و چالش‌های معاصر: تطبیق و اصلاح

فقه شیعه از آنجا که دارای ویژگی‌های خاص خود است، قادر به انطباق با شرایط و چالش‌های معاصر است. چالش‌هایی همچون تغییرات اجتماعی، علمی و اقتصادی در جوامع مدرن نیازمند پاسخ‌های منطبق بر شریعت و اصول اسلامی است. در این راستا،

فقه شیعه می‌تواند به‌عنوان چارچوبی برای رسیدن به راه‌حل‌های اخلاقی و اجتماعی در مسائل مدرن عمل کند. به‌ویژه در زمینه‌هایی مانند حقوق بشر، حقوق زنان، و عدالت اجتماعی، فقه شیعه می‌تواند با در نظر گرفتن اصولی چون عدالت و مساوات، راهکارهایی را برای حل مسائل معاصر ارائه دهد (رحمانی، ۱۳۸۳).

به‌کارگیری اصول و قواعد فقهی

در فقه شیعه، استفاده از قواعد اصولی برای حل مسائل مختلف بسیار حائز اهمیت است. قواعدی مانند قاعده لا ضرر، قاعده دفع ضرر و قاعده تکافل در کنار اصولی چون اجتهاد و اجماع ابزارهایی هستند که فقه‌پژوهان و فقها برای حل تعارضات و مسائلی چون رقابت و نزاع استفاده می‌کنند. این قواعد اصولی به‌ویژه در شرایطی که با تعارضات حقوقی یا اجتماعی مواجه می‌شویم، به‌طور مؤثری برای ایجاد توازن و عدالت در حل مسائل اجتماعی و اقتصادی به‌کار می‌روند (موسویان، خوانساری، ۱۳۹۵).

۱. قاعده لا ضرر

قاعده لا ضرر به این معناست که هیچ‌کس نباید به ضرر دیگری عمل کند و باید از آسیب رساندن به دیگران خودداری کند. این قاعده در مسائل اقتصادی و رقابت‌های تجاری کاربرد فراوان دارد. برای مثال، اگر یک رقابت در بازار موجب ضرر به دیگران شود، این رقابت بر اساس قاعده لا ضرر حرام خواهد بود (محقق حلی، ۱۴۱۳). در بسیاری از مواقع، رقابت‌های ناعادلانه و با هدف آسیب به رقیب، می‌تواند بر اساس این قاعده مورد تحلیل قرار گیرد (مهاجری، میرخانی؛ ۱۳۹۸).

۲. قاعده دفع ضرر

قاعده دفع ضرر به این معنی است که باید اقدامات مؤثری برای جلوگیری از هرگونه ضرر یا آسیب به جامعه انجام شود. این قاعده در زمان‌هایی که رقابت یا نزاع‌ها ممکن است موجب تزلزل در امنیت اجتماعی شوند، می‌تواند مبنای فقهی قرار گیرد. به‌طور مثال، در رقابت‌های اقتصادی بین شرکت‌ها، زمانی که این رقابت‌ها به فساد یا آسیب به جامعه منتهی می‌شود، بر اساس قاعده دفع ضرر، باید اقداماتی برای جلوگیری از این ضرها اتخاذ گردد (مهاجری، میرخانی؛ ۱۳۹۸).

۳. قاعده تکافل

قاعده تکافل در فقه اسلامی به معنای مسئولیت اجتماعی و همبستگی میان افراد جامعه است. در واقع، این قاعده در مواقعی که افراد یا گروه‌ها به دلیل نزاع‌ها یا تعارضات

اجتماعی آسیب می‌بینند، بر ضرورت همکاری و حمایت از یکدیگر تأکید می‌کند. در مسائل رقابتی که منجر به ایجاد نابرابری‌ها و نزاع‌ها می‌شود، این قاعده می‌تواند مبنای فقهی برای بازسازی و حمایت از افراد آسیب‌دیده باشد (طوسی، ۱۴۱۱). در نهایت، استفاده از این قواعد اصولی در فقه شیعه می‌تواند به ایجاد یک نظام رقابتی عادلانه و بهبود تعارضات اجتماعی کمک کند. برای مثال، در برخی از مسائل حقوقی یا اقتصادی معاصر، استفاده از این اصول می‌تواند مشکلاتی مانند انحسار طلبی، فساد اقتصادی یا بی‌عدالتی‌های اجتماعی را کاهش دهد (یوسفی، ۱۳۹۴).

گنجاندن دیدگاه‌های معاصر فقها

فقه‌های معاصر در فقه شیعه به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و حقوقی به‌طور مستمر در حال گسترش و نوآوری در تفاسیر فقهی هستند. این دیدگاه‌ها به‌ویژه در خصوص رقابت، تعارضات و برتری شناختی به‌ویژه در مواجهه با چالش‌های جدید اجتماعی کاربرد دارند. این نوآوری‌ها نه تنها باعث تطابق فقه با شرایط جدید می‌شود، بلکه زمینه‌های جدیدی برای تبیین مسائل اجتماعی و حقوقی بر اساس مبانی اسلامی فراهم می‌آورد (میراحمدی، ۱۳۸۵). در این بخش، به دیدگاه‌های چند نفر از فقه‌های معاصر اشاره خواهیم کرد که در زمینه رقابت، تعارض و برتری شناختی نظرات متفاوت و تأثیرگذاری ارائه داده‌اند.

۱. حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی (زیدعزه)

آیت‌الله مکارم شیرازی یکی از برجسته‌ترین فقهای معاصر است که در حوزه‌های مختلف فقهی و اجتماعی به‌ویژه مسائل اقتصادی و رقابتی دیدگاه‌های مهمی دارد. در زمینه رقابت، آیت‌الله مکارم شیرازی تأکید دارد که رقابت باید در چهارچوب اصول اخلاقی و اسلامی صورت گیرد تا از فساد و تباهی جلوگیری شود. او معتقد است که رقابت در صورتی که با رعایت از صاف و عدالت باشد، می‌تواند به پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کمک کند. اما هنگامی که رقابت به نفع گروه خاصی از افراد تبدیل شود و منجر به فساد یا انحصار در بازار گردد، باید به‌طور جدی با آن برخورد شود.

در دیدگاه آیت‌الله مکارم شیرازی، یکی از اصول مهم در رقابت، حفظ حقوق عمومی و جلوگیری از تجاوز به حقوق دیگران است. این موضوع به‌ویژه در رقابت‌های اقتصادی و تجاری اهمیت دارد. او همچنین معتقد است که باید قوانین و نظارت‌های دقیق‌تری برای

جلوگیری از انحصار و فساد در بازارهای تجاری و رقابتی ایجاد شود تا از این طریق به‌طور مؤثری با مشکلات اجتماعی و اقتصادی مقابله کرد.

آیت‌الله مکارم شیرازی در بسیاری از آثار خود به‌ویژه در کتاب "اقتصاد اسلامی در جهان امروز"، به تحلیل رقابت و راهکارهای فقهی برای حل مشکلات اجتماعی ناشی از رقابت پرداخته است. او همچنین به لزوم جلوگیری از استفاده نادرست از رقابت برای آسیب رساندن به دیگران تأکید دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۸).

۲. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)

آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی و فقیه برجسته معاصر، نظرات ارزشمندی در خصوص رقابت و نزاع‌های اجتماعی دارند. او در زمینه رقابت، به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی و تجاری، تأکید دارد که رقابت باید در راستای منافع عمومی و با رعایت اصول عدالت اجتماعی انجام گیرد. او معتقد است که رقابت در صورتی که به‌درستی هدایت شود، می‌تواند به پیشرفت کشور و رفع مشکلات اقتصادی کمک کند. در عین حال، رقابت ناعادلانه یا فساد در رقابت می‌تواند آسیب‌های جدی به جامعه وارد کند.

در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، رقابت سالم باید همراه با نظارت‌های دقیق باشد تا از بروز انحصار و فساد در بازارها جلوگیری شود. او همچنین به‌ویژه در بحث‌هایی همچون "اقتصاد مقاومتی" و "عدالت اجتماعی" بر لزوم نظارت دولت بر رقابت‌های اقتصادی تأکید دارد. در این دیدگاه، دولت باید به‌عنوان یک نهاد ناظر عمل کرده و از رقابت‌های ناعادلانه یا ظلم به مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان جلوگیری کند.

آیت‌الله خامنه‌ای در سخنان و آثار خود، همواره به لزوم رعایت اخلاق و انصاف در رقابت تأکید کرده و معتقد است که اگر رقابت‌ها به‌درستی هدایت نشوند، ممکن است به تضییع حقوق دیگران و گسترش فساد بینجامد. در این راستا، او از کشورهای اسلامی می‌خواهد که از تجربیات موفق جهانی در زمینه رقابت منصفانه بهره ببرند و آن را در نظام اقتصادی خود پیاده‌سازی کنند (خامنه‌ای، ۱۴۰۰).

۳. آیت‌الله صانعی (ره)

آیت‌الله صانعی نیز در مباحث فقهی خود بر اهمیت حل مسالمت‌آمیز تعارضات اجتماعی تأکید دارند. ایشان در تحلیل رقابت‌های اقتصادی و اجتماعی به‌ویژه بر لزوم توجه به اصول اسلامی و انسانی در حل تعارضات و نزاع‌ها تأکید می‌کنند. آیت‌الله صانعی با توجه

به شرایط اجتماعی و اقتصادی معاصر، معتقدند که فقه اسلامی باید بتواند راه‌حل‌هایی عملی و کاربردی برای مسائل پیچیده اجتماعی ارائه دهد. یکی از مهم‌ترین دیدگاه‌های آیت‌الله صانعی، تأکید بر حقوق بشر و حقوق اجتماعی در حل تعارضات و نزاع‌هاست. در تحلیل رقابت‌ها و تعارضات اجتماعی، ایشان بر لزوم احترام به حقوق افراد و گروه‌ها و جلوگیری از ظلم و بی‌عدالتی تأکید دارند. به‌ویژه در زمینه‌هایی مانند رقابت‌های اقتصادی، او معتقد است که فقه اسلامی باید قواعدی را برای مدیریت تعارضات اقتصادی به‌گونه‌ای که به سود تمامی افراد جامعه باشد، ارائه دهد.

آیت‌الله صانعی در آثار خود مانند "فقه اجتماعی و حقوق بشر" به‌طور مفصل به تحلیل قوانین فقهی و اجتماعی پرداخته و در این زمینه راهکارهایی برای کاهش نزاع‌ها و پیشگیری از تعارضات اجتماعی ارائه داده است. ایشان همچنین به‌ویژه در خصوص نحوه برخورد با رقابت‌های ناعادلانه و انحصار در بازارها، بر لزوم نظارت و سیاست‌های فقهی جهت جلوگیری از این مشکلات تأکید دارند (صانعی، ۱۳۸۸).

استفاده از منابع بین‌المللی

در خصوص رقابت، تعارض و برتری شناختی، منابع بین‌المللی می‌توانند به‌ویژه در زمینه‌های فلسفه اجتماعی، حقوق بین‌الملل، و روان‌شناسی شناختی به ما کمک شایانی نماید این آشنایی با دیدگاه‌های مختلف منجر به ارائه نظری جامع و معتبر می‌گردد. در اینجا به برخی از انواع منابع بین‌المللی اشاره خواهیم کرد (مهدوی وهمکاران، ۱۴۰۰).

۱. مقالات فلسفی و اجتماعی

در زمینه رقابت و تعارضات اجتماعی، مقالات فلسفی می‌توانند دیدگاه‌های عمیقی در خصوص نحوه تأثیر رقابت بر روابط انسانی و اجتماعی ارائه دهند. یکی از آثار برجسته در این زمینه، کتاب "رقابت و همکاری: دیدگاه‌های فلسفی" (اسمیت، ۲۰۲۰) است که در آن به چگونگی تعامل رقابت و همکاری در جوامع مختلف پرداخته شده است. در این کتاب، رقابت به‌عنوان یک نیروی محرکه در پیشرفت‌های اجتماعی و اقتصادی معرفی می‌شود، اما در عین حال، تأثیرات منفی رقابت ناعادلانه یا بیش از حد نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. این تحلیل می‌تواند به فهم بهتر مفهوم رقابت در فقه شیعه کمک کند، زیرا در بسیاری از موارد، رقابت‌هایی که از اصول اخلاقی و فقهی منحرف می‌شوند، می‌توانند به تعارضات اجتماعی و نزاع‌های بیشتر منتهی شوند.

در این راستا، می‌توان از آثار دیگر نیز استفاده کرد که به تجزیه و تحلیل مفاهیم اخلاقی و فلسفی در رقابت می‌پردازند. یکی از این آثار، مقاله‌ای است که به مقایسه فلسفه رقابت در جوامع مختلف و تأثیرات آن بر عدالت اجتماعی پرداخته است. این مقاله می‌تواند در تحلیل مفهوم "رقابت سالم" در فقه شیعه کمک‌کننده باشد و نحوه مقابله با رقابت‌های ناعادلانه را از منظر فقهی توضیح دهد (اسمیت، ۲۰۲۰).

۲. مقالات حقوقی بین‌المللی

حقوق بین‌الملل به‌ویژه در زمینه رقابت و تنظیم رفتارهای اقتصادی نقش اساسی دارد. بسیاری از کشورها قوانین خاصی را برای جلوگیری از رقابت ناعادلانه و انحصارطلبی وضع کرده‌اند که می‌تواند به بهبود سیستم‌های اقتصادی و تجاری کمک کند. یکی از مقالات برجسته در این زمینه "رقابت در بازارهای جهانی و نظارت بر آن" (جونز و روبرتسون، ۲۰۱۹) است که به بررسی قوانین رقابتی در بازارهای جهانی و نحوه اعمال نظارت بر رقابت‌ها می‌پردازد. این مقاله توضیح می‌دهد که چگونه سیستم‌های قانونی بین‌المللی می‌توانند رقابت را در سطح جهانی به‌طور عادلانه تنظیم کنند و به جلوگیری از انحصار و فساد اقتصادی کمک کنند.

استفاده از این منابع بین‌المللی می‌تواند در تحلیل فقهی مفاهیم رقابت و نزاع بسیار مفید باشد. به‌عنوان مثال، در فقه شیعه، مفاهیمی مانند "دفع ضرر" و "احقاق حقوق" می‌توانند با مفاهیم قانونی رقابت در قوانین بین‌المللی مقایسه شوند. همچنین، نحوه تنظیم رقابت‌های اقتصادی به‌صورت عادلانه و جلوگیری از انحصار در بازارها نیز می‌تواند به‌عنوان یک مبنای فقهی برای جلوگیری از فساد و ظلم در جامعه اسلامی مورد استفاده قرار گیرد (جونز و روبرتسون، ۲۰۱۹).

۳. مطالعات روان‌شناسی شناختی

در تحلیل برتری شناختی، مطالعات روان‌شناسی شناختی می‌توانند دیدگاه‌های بسیار مهمی را در خصوص نحوه تصمیم‌گیری افراد و گروه‌ها در موقعیت‌های رقابتی و نزاع‌ها ارائه دهند. یکی از مقالات برجسته در این زمینه "برتری شناختی و تصمیم‌گیری در موقعیت‌های اجتماعی" (میلر و گرین، ۲۰۲۱) است که به بررسی تأثیر برتری شناختی بر فرآیندهای تصمیم‌گیری در موقعیت‌های رقابتی و تعارضی پرداخته است. این مقاله نشان می‌دهد که چگونه توانایی‌های شناختی افراد می‌تواند در حل تعارضات اجتماعی و رسیدن به راه‌حل‌های مؤثرتر تأثیرگذار باشد.

در فقه شیعه نیز برتری شناختی می‌تواند در تحلیل تعارضات و رقابت‌ها از جنبه اخلاقی و اجتماعی مورد توجه قرار گیرد. به‌ویژه در مسائلی که نیاز به تصمیم‌گیری‌های کلان اجتماعی یا اقتصادی وجود دارد، برتری شناختی افراد می‌تواند به کاهش نزاع‌ها و تعارضات کمک کند و راه‌حل‌های مؤثری برای پیشبرد امور اجتماعی ارائه دهد. در این راستا، استفاده از منابع روان‌شناختی می‌تواند به‌ویژه در حوزه‌های فلسفی و اجتماعی فقه شیعه اهمیت زیادی داشته باشد (میلر و گرین، ۲۰۲۱).

بهره‌برداری از اصول فقهی برای مدیریت تعارضات اجتماعی مدیریت تعارضات اجتماعی از منظر فقهی در جامعه اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. فقه اسلامی با تأکید بر اصول عدالت، انصاف، و رعایت حقوق دیگران، می‌تواند راهکارهای کارآمدی برای حل تعارضات اجتماعی ارائه دهد. در این بخش، تلاش خواهیم کرد تا با استفاده از منابع فقهی و اصول کلی اسلام، به بررسی روش‌های مدیریت تعارضات اجتماعی در جامعه پردازیم (اکبرنیا و انصاری، ۱۴۰۰).

۱. مبانی فقهی برای حل تعارضات

فقه اسلامی در برخورد با تعارضات اجتماعی بر اصولی مانند "دفع ضرر" و "حفظ منافع عمومی" تأکید دارد. یکی از مهم‌ترین اصول فقهی که در حل تعارضات به کار می‌رود، اصل "دفع ضرر" است که به معنای جلوگیری از هر گونه آسیبی به دیگران است. در بسیاری از احکام فقهی، مسلمانان به حفظ حقوق یکدیگر و جلوگیری از تضییع این حقوق توصیه شده‌اند. از این رو، این اصل می‌تواند به‌ویژه در حل تعارضات اجتماعی که به ایجاد آسیب‌های فردی یا جمعی منتهی می‌شود، راهگشا باشد. در حقیقت، از منظر فقهی، حل تعارضات باید به‌گونه‌ای صورت گیرد که کمترین آسیب ممکن به طرفین

وارد شود و به نوعی از این طریق "دفع ضرر" محقق گردد (مهجری، میرخانی، ۱۳۹۸). در این راستا، اصول دیگری همچون "عدالت" و "مساوات" نیز در فقه اسلامی نقشی حیاتی ایفا می‌کنند. در بسیاری از موارد، تعارضات اجتماعی ناشی از تبعیض و نابرابری‌هاست. فقه اسلامی با تأکید بر اصل عدالت، به‌ویژه در میان گروه‌های مختلف اجتماعی، همواره بر لزوم رعایت حقوق افراد و گروه‌های اجتماعی تأکید کرده است. این اصول، به‌ویژه در بحث تعارضات اقتصادی و اجتماعی، می‌تواند به‌طور مؤثری کمک کند تا از برخوردهای خصمانه و بی‌عدالتی جلوگیری شود (رحمانی، ۱۳۸۳).

۲. حل تعارضات از منظر اصول اسلامی

در بسیاری از موارد، تعارضات اجتماعی ناشی از رفتارهای نادرست فردی یا گروهی است که منجر به ایجاد بحران در روابط اجتماعی می‌شود. در فقه اسلامی، بر این نکته تأکید شده است که برای جلوگیری از تشدید تعارضات، باید از روش‌های مسالمت‌آمیز و مبتنی بر گفت‌وگو و تفاهم استفاده شود. به‌ویژه در صورتی که تعارضات به نزاع‌های اجتماعی یا حتی خشونت بینجامد، استفاده از روش‌های قانونی و فقهی برای حل و فصل این تعارضات ضرورت دارد (هاشمی، ۱۳۸۳).

فقه اسلامی از ابزارهایی مانند "تحکیم" (حل و فصل اختلافات از طریق داوری) و "صلح" (آشتی و ترمیم روابط بین طرفین) به‌عنوان روش‌هایی مؤثر برای مدیریت تعارضات اجتماعی یاد می‌کند. در این راستا، فقیهان معاصر نیز به این موضوع پرداخته‌اند که چگونه می‌توان از این ابزارها در جوامع امروزی استفاده کرد. به‌عنوان مثال، آیت‌الله مکارم شیرازی در برخی از آثار خود به‌ویژه در زمینه حل تعارضات اجتماعی در دنیای معاصر، به استفاده از روش‌های فقهی همچون تحکیم و صلح اشاره کرده‌اند و معتقدند که این ابزارها می‌توانند در کاهش تنش‌ها و نزاع‌ها مؤثر واقع شوند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۸).

۳. کاربرد اصول فقهی در مدیریت رقابت‌های اجتماعی

یکی از زمینه‌های برجسته‌ای که فقه اسلامی در آن نقش‌آفرینی می‌کند، مدیریت رقابت‌های اجتماعی است. رقابت در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌تواند باعث ایجاد تعارضات و نزاع‌های اجتماعی شود. به‌ویژه در جوامع مدرن که اقتصادهای رقابتی و تنش‌های اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند، استفاده از اصول فقهی برای هدایت این رقابت‌ها می‌تواند به کاهش نارضایتی‌ها و جلوگیری از تشدید تنش‌ها کمک کند (بوکانی، ۱۳۹۱).

در این راستا، فقه اسلامی با تأکید بر اصل "حق الناس" (حقوق مردم) و "حق الله" (حقوق خداوند)، رقابت‌ها را به‌گونه‌ای تعریف می‌کند که به نفع تمامی افراد جامعه باشد. این اصول به‌ویژه در زمینه رقابت‌های تجاری و اقتصادی که ممکن است به انحصار و فساد بینجامد، اهمیت فراوانی دارد. به‌طور خاص، رقابت‌های اقتصادی در صورتی که به‌گونه‌ای منصفانه و بر اساس قوانین اسلامی صورت گیرد، می‌تواند منجر به رشد و شکوفایی اجتماعی شود (یوسفی، ۱۳۹۴).

فقه اسلامی همچنین به این نکته توجه دارد که در رقابت‌های اجتماعی باید از هر گونه ظلم به افراد و گروه‌های ضعیف جلوگیری شود. در این راستا، "نظارت اجتماعی" یکی از اصول اساسی است که در فقه برای هدایت رقابت‌ها و جلوگیری از بی‌عدالتی‌ها به کار می‌رود. فقیهان معاصر نیز در این زمینه به‌ویژه در کتاب‌های اقتصادی خود، روش‌های فقهی برای نظارت بر رقابت‌ها و رسیدگی به مشکلات اقتصادی را بررسی کرده‌اند (موسویان و خوانساری، ۱۳۹۵).

دیدگاه‌های مختلف در زمینه رقابت و تعارضات اجتماعی

در این بند، به بررسی و تحلیل دیدگاه‌های مختلف و نقد آن‌ها در زمینه رقابت و تعارضات اجتماعی در فقه شیعه می‌پردازیم. این دیدگاه‌ها شامل نظرات فقیها و اندیشمندان اسلامی و همچنین دیدگاه‌های فقهی معاصر است که به‌ویژه در مدیریت رقابت‌ها، تعارضات و نزاع‌های اجتماعی به کار می‌روند. علاوه بر این، از این دیدگاه‌ها می‌توان در راستای تقویت برتری شناختی و اجتماعی بهره برد.

۱. نقد دیدگاه‌های کلاسیک در مورد رقابت

در دیدگاه‌های کلاسیک فقه شیعه، رقابت اغلب به‌عنوان یک امر طبیعی و مثبت تلقی می‌شود که می‌تواند موجب پیشرفت و ارتقای فردی و اجتماعی شود. این دیدگاه‌ها به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی و تجاری اهمیت دارند. در این دیدگاه‌ها، رقابت به‌عنوان وسیله‌ای برای بهبود کیفیت و بهره‌وری در جامعه معرفی می‌شود. البته، در این رویکرد، مسئله اخلاق و رعایت اصول عدالت اجتماعی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. بسیاری از فقه‌های کلاسیک بر این باورند که در صورتی که رقابت در چارچوب اصول فقهی باشد، می‌تواند باعث رونق و رشد اقتصادی جامعه گردد (اسلامی، ۱۳۸۴).

با این حال، یکی از نقدهایی که به این دیدگاه‌ها وارد می‌شود، این است که در بسیاری از موارد، رقابت می‌تواند به بروز نابرابری‌ها و حتی ظلم به افراد ضعیف‌تر منجر شود. به‌ویژه در جامعه‌ای که امکان نظارت دقیق بر رقابت‌ها وجود ندارد، ممکن است برخی افراد از موقعیت خود سوءاستفاده کنند و به آسیب رساندن به دیگران پردازند. از این رو، دیدگاه‌های کلاسیک نیاز به بازنگری و تطبیق با شرایط کنونی دارند. در حقیقت، نظریه‌پردازان فقه معاصر به‌ویژه در زمینه اقتصادی بر لزوم وجود نظارت و سازوکارهای قانونی برای جلوگیری از رقابت ناعادلانه تأکید دارند (نجفی، ۱۳۹۱).

به‌عنوان مثال، آیت‌الله مکارم شیرازی بر این نکته تأکید کرده‌اند که رقابت باید با رعایت اصول اخلاقی و عدالت صورت گیرد و گرنه ممکن است به فساد منتهی شود. او معتقد است که رقابت باید بر اساس یک نظم اجتماعی متوازن و با رعایت حقوق عمومی انجام شود. در نتیجه، یک نقد عمده به دیدگاه‌های کلاسیک این است که آن‌ها به‌طور کامل از جنبه‌های اخلاقی و اجتماعی رقابت غافل هستند و فقط به جنبه‌های اقتصادی آن توجه می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۸).

۲. نقد دیدگاه‌های معاصر در مورد رقابت

دیدگاه‌های معاصر در فقه شیعه در زمینه رقابت و تعارضات اجتماعی به‌ویژه با توجه به تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عصر حاضر بیشتر به بررسی اخلاق و عدالت در رقابت‌ها پرداخته‌اند. در این دیدگاه‌ها، علاوه بر تأکید بر جنبه‌های اقتصادی، حقوق افراد و گروه‌ها نیز در رقابت‌های اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. به‌طور خاص، فقهای معاصر مانند آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله صانعی به تأثیرات اجتماعی رقابت و ضرورت نظارت و اصلاحات قانونی در این زمینه پرداخته‌اند.

آیت‌الله خامنه‌ای در دیدگاه‌های خود تأکید دارند که رقابت باید در راستای تحقق "عدالت اجتماعی" باشد و از هرگونه سوءاستفاده یا انحصار جلوگیری شود. او معتقد است که برای جلوگیری از انحصار در بازارها و رقابت‌های ناعادلانه، باید نظارت‌های جدی‌تری از سوی دولت و نهادهای قانونی اعمال گردد. این دیدگاه، به‌ویژه در جامعه‌ای مانند ایران که دارای اقتصاد مختلط است، اهمیت زیادی دارد (رحمانی، ۱۳۸۳).

نقدی که می‌توان به این دیدگاه وارد کرد، این است که اصولاً حتی در صورتی که نظارت‌های قانونی اعمال شود، هنوز ممکن است برخی مسائل اساسی مانند سوءاستفاده از اطلاعات، فساد اداری و ناتوانی در اعمال در ست قوانین وجود داشته باشد. بنابراین، علاوه بر نظارت‌های قانونی، باید آموزش‌های اخلاقی و فرهنگی نیز در جوامع اسلامی نهادینه شود تا افراد خود به رعایت اصول اخلاقی در رقابت‌ها و تعاملات اجتماعی پایبند باشند (غنی نژاد، ۱۳۸۰).

۳. دیدگاه‌های فقهی در مورد تعارضات اجتماعی و نزاع‌ها

یکی از ابعاد مهم در فقه شیعه، تحلیل تعارضات اجتماعی و نزاع‌ها است. فقه اسلامی به‌ویژه در زمینه حل تعارضات اجتماعی، به بررسی روش‌های مختلفی برای حل و فصل اختلافات و کاهش تنش‌ها می‌پردازد. در این زمینه، فقه شیعه بر اصولی مانند "تحکیم"،

"صلح" و "مدارای اجتماعی" تأکید دارد. همچنین، در فقه معاصر، نظرات جدیدتری در خصوص حل تعارضات اجتماعی به‌ویژه در مواجهه با پدیده‌هایی چون نزاع‌های مدنی و اختلافات اقتصادی ارائه شده است (خرسند، ۱۳۹۶).

آیت‌الله صانعی، یکی از فقهای معاصر، معتقد است که در صورتی که تعارضات اجتماعی به‌ویژه در جوامع شهری و مدرن به‌شکل فزاینده‌ای رخ دهد، باید از ابزارهای فقهی مانند داوری و صلح‌جویی برای کاهش تنش‌ها استفاده شود. او همچنین به‌طور خاص به این موضوع اشاره کرده است که دین اسلام در مواجهه با تعارضات اجتماعی به‌جای استفاده از خشونت و زور، بر ایجاد تفاهم و مصالحه میان طرفین تأکید دارد (صانعی، ۱۳۸۸).

نقدی که به دیدگاه‌های مربوط به تعارضات اجتماعی وارد است، این است که در بسیاری از موارد، شرایط اجتماعی و سیاسی به‌گونه‌ای است که ممکن است راهکارهای صلح‌آمیز و مصالحه‌آمیز نتوانند مؤثر واقع شوند. به‌ویژه در شرایطی که قدرت‌های اجتماعی و اقتصادی نابرابر هستند، ممکن است یک طرف به‌طور کامل از فرآیندهای صلح‌آمیز کنار گذاشته شود. در چنین شرایطی، باید راهکارهای پیچیده‌تر و عملی‌تری مانند اصلاحات قانونی و اجتماعی برای حل تعارضات و کاهش نزاع‌ها اتخاذ شود (خرسند، ۱۳۹۶).

در این بخش، به نقد و تحلیل دیدگاه‌های مختلف در زمینه رقابت و تعارضات اجتماعی پرداختیم. از آنجا که رقابت و تعارضات اجتماعی در جوامع اسلامی به‌ویژه در فقه شیعه نقش حیاتی دارند، تحلیل این دیدگاه‌ها به ما کمک می‌کند تا راهکارهایی مناسب برای حل مشکلات اجتماعی و اقتصادی پیدا کنیم. دیدگاه‌های کلاسیک و معاصر، هرکدام به‌طور خاص بر جنبه‌های مختلف رقابت و تعارضات تأکید دارند. به‌طور کلی، استفاده از اصول فقهی برای حل این مشکلات به ما این امکان را می‌دهد که با رعایت عدالت و انصاف، در راستای توسعه اجتماعی و اقتصادی حرکت کنیم.

جمع‌بندی

در بررسی اصول فقهی برای حل تعارضات اجتماعی، مشاهده می‌شود که فقه اسلامی با استفاده از اصولی همچون "دفع ضرر"، "عدالت"، و "مساوات" به حل تعارضات می‌پردازد. این اصول می‌توانند به‌طور مؤثری در حل تعارضات اجتماعی، اقتصادی و رقابتی در جامعه اسلامی به کار روند. در این راستا، استفاده از روش‌های فقهی مانند "تحکیم" و "صلح" می‌تواند به کاهش تنش‌ها و درگیری‌ها کمک کند و از بروز نزاع‌های بیشتر جلوگیری نماید.

دیدگاه‌های فقهی معاصر در خصوص رقابت، تعارض و برتری شناختی می‌تواند به‌طور گسترده‌ای در تبیین اصول فقهی مربوط به این مسائل کمک کند. آیت‌الله مکارم شیرازی (زیدعزه)، آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) و آیت‌الله صانعی (ره) هر کدام با تأکید بر اصول عدالت اجتماعی و حقوق عمومی، راهکارهای فقهی مؤثری را برای مدیریت رقابت‌ها و تعارضات ارائه داده‌اند. استفاده از این دیدگاه‌ها می‌تواند به فهم عمیق‌تر و علمی‌تر از چگونگی مواجهه با رقابت‌های ناعادلانه و نزاع‌های اجتماعی کمک کند. در این مقاله، تلاش شد تا مفاهیم رقابت، تعارض، نزاع و تقابل، و برتری شناختی در فقه شیعه بررسی شود و نشان داده شد که چگونه این مفاهیم می‌توانند در حل مسائل معاصر و اجتماعی کاربردی باشند. فقه شیعه با تأکید بر اصول اخلاقی و عقلانی در تلاش است تا نه تنها تعارضات و نزاع‌ها را در سطح فردی و اجتماعی مدیریت کند، بلکه با درک عمیق از شریعت و تطبیق آن با نیازهای روز، به پاسخ‌گویی به چالش‌های معاصر بپردازد.

در خصوص رقابت، فقه شیعه بر لزوم رقابت سالم و مبتنی بر عدالت تأکید دارد. به‌ویژه در عرصه‌های اقتصادی، رقابت باید در چارچوب قوانین شریعت و با رعایت حقوق دیگران انجام گیرد. در زمینه تعارضات، فقه شیعه ابزارهای متنوعی مانند اجتهاد، اجماع و قیاس را برای حل تعارضات شرعی و اجتماعی توسعه داده است. این ابزارها به‌ویژه در شرایط پیچیده و متغیر امروز می‌توانند راه‌حل‌های مؤثری را ارائه دهند.

یکی از مفاهیم کلیدی که در این مقاله به آن پرداخته شد، برتری شناختی است. برتری شناختی به فرد یا جامعه این قدرت را می‌دهد که مسائل پیچیده را با استفاده از ابزارهای عقلانی و دینی حل کند. در واقع، این مفهوم می‌تواند در حل تعارضات اجتماعی و فقهی در دنیای معاصر نقش اساسی ایفا کند. برتری شناختی در فقه شیعه به‌ویژه در زمینه‌های حقوقی و اقتصادی می‌تواند موجب افزایش انسجام اجتماعی و ارتقای کارآمدی نظام‌های حقوقی شود.

در نهایت، فقه شیعه با توجه به ظرفیت‌های موجود در منابع دینی و قواعد فقهی، قادر به ارائه پاسخ‌های معتبر و کاربردی به مسائل پیچیده و معاصر است. تطبیق اصول فقهی با چالش‌های اجتماعی، اقتصادی و حقوقی امروز، نه تنها امکان‌پذیر است، بلکه می‌تواند به‌عنوان یک ابزار اصلاحی در جوامع اسلامی و حتی بین‌المللی عمل کند. این مقاله

نشان داد که با توجه به آموزه‌های فقهی، می‌توان به راه‌حل‌های عادلانه و اخلاقی در حل مسائل معاصر دست یافت و به تعارضات اجتماعی و حقوقی پاسخ داد.

تضاد منافع:

نویسنده اعلام می‌دارند که در مورد انتشار این مقاله تضاد منافع وجود ندارد. علاوه بر این، موضوعات اخلاقی شامل سرقت ادبی، رضایت آگاهانه، سوء رفتار، جعل داده‌ها، انتشار و ارسال مجدد و مکرر توسط نویسندگان رعایت شده است.

منابع

- ابوعطا، محمد، جوادی، سیدهادی، و رحمانی، حسین. (۱۳۹۹). تحلیل فقهی تقابل یا عدم تقابل ثمن با شروط و اوصاف مندرج در بیع. پژوهش‌های فقهی، ۱۶(۱)، ۱۰۵-۱۲۴.
- احمدی، نیره، شریعتی، الهام، و میرخانی، عزت‌السادات. (۱۴۰۰). ظرفیت اصول حاکم بر خانواده در حل تعارضات خانوادگی. مطالعات زن و خانواده، ۹(۳) (پیاپی ۲۲)، ۱۰۲-۱۲۸.
- اسلامی، احمدعلی. (۱۳۸۴). تفسیر نظریه شهیدصدر در باب کشف مذهب اقتصادی مطابق با مبانی فقه شیعه. فقه و حقوق، ۲(۵).
- اسلامی، ف. (۱۳۹۹). برتری شناختی و تأثیر آن در تصمیم‌گیری‌های فقهی. همایش علوم انسانی اسلامی، ۵(۳)، ۱۵۰-۱۳۴.
- اسماعیل نعمت‌اللهی و محمد امامی پور؛ (۱۳۸۹) تأملی در مقالات «تضاد و تعارض در فقه اسلامی، فصلنامه فقه و علوم وابسته دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، شماره ۶۵ ص ۵.
- آل اسحق خوینینی، زهرا، و باریکلو، علیرضا. (۱۴۰۱). حل تعارضات حقوقی زنان در خانواده در بستر اصل تحکیم. فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، ۲۷(۷۶)، ۱۶۸-۱۴۵.
- باقری، محمود؛ رشوند بوکانی، مهدی؛ حقوق رقابت و دفاع از تمامیت بازار در فقه امامیه. پاییز و زمستان ۱۳۸۷ - شماره ۲۸) ISC ۳۶ صفحه - از ۵۱ تا ۸۶).
- برگزیده تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و جمعی از فضلا، تنظیم احمد علی بابایی، تهران: دارالکتب اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
- ج. کولسن، نویل. (۱۳۸۹). تأملی در مقالات «تضاد و تعارض در فقه اسلامی» ۱. فقه، ۱۷(۶۶)، ۱۴۵-۱۸۰.
- جلائیان اکبرنیا، علی، و انصاری بایگی، علی. (۱۴۰۰). تأثیر ساختار سیاسی جمهوری اسلامی در مدیریت تعارضات اجتماعی. پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۲۷(۱) (پیاپی ۱۲۳).

- جمعی از محققان، فرهنگ‌نامه اصول فقه، ۱۳۸۹ش، ج ۱، ص ۶۲۲.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۴۰۰). دروس اقتصادی فقهی. تهران: موسسه نشر اسلامی.
- خرسند، سمیه؛ (۱۳۹۶): صلح در حقوق و فقه امامیه، اولین همایش ملی علوم اجتماعی، علوم تربیتی، روانشناسی و امنیت اجتماعی
- رحمانی، محمد. (۱۳۸۳). فقه و عدالت. حکومت اسلامی، (۳۱)، ۱۵۳-۱۲۷.
- رشوند بوکانی، مهدی، (۱۳۹۱): حقوق رقابت در فقه امامیه، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)، تهران،
- روح الله بهشتی پور، عقل و وحی از نظر علامه طباطبایی؛ فلسفه دین بهار ۱۳۹۰ شماره ۹.
- زاهدی حصاری مینا، جواد، نوذری فردوسی، محمد، حیدری خراسانی، محمدجواد. (۱۴۰۲) نقش عدالت اجتماعی در فقه و حقوق با رویکردی بر نظرات امام خمینی(ره)، مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ و فرهنگ ایران دوره: ۲ | شماره: ۲. صفحات: ۳۹۳-۴۱۳.
- سیاه بیدی کرمانشاهی، سعید، ۱۴۰۲، مبانی فقهی مدیریت تعارض منافع.
- سیوطی، ج. الدین. (۲۰۱۰). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور (ج. ۲، ع. ر. حسینی، مترجم). دار الکتب العلمیه. (اصل اثر در سال ۱۴۲۱ ق. منتشر شده است).
- شاهسون، پروانه، و صبحیه، محمدحسین. (۱۴۰۰). تاثیر بکارگیری اصول مذاکره در حل و فصل تعارضات بین فردی. نخبگان علوم و مهندسی، ۶(۳)، ۱۲۴-۱۱۵.
- صالحی آسفیجی، نورالله، ۱۴۰۰، فقه پول در اقتصاد اسلامی: مالکیت اعتباری پول: مالکیت عمومی پول.
- صانعی، ی. (۱۳۹۹). فقه اجتماعی و حقوق بشر. نشریه صغیر حیات (نشریه اطلاع‌رسانی پایگاه مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی صانعی)، شماره ۷، تاریخ ۲ آبان ۱۳۸۸.
- صدوق، م. ب. ع. (۱۳۹۵). مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه (جلد ۲، ع. غفاری، مترجم). انتشارات صدوق.
- صدیقی، بهرنگ. (۱۳۹۰). جامعه شناسی و مطالعات فرهنگی: تقابل، توافق یا تعامل (با نگاهی به روابط این دو در ایران). مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۷(۲۴)، ۳۸-۱۱.
- طبرسی، ف. ب. ح. (۱۳۹۵). تفسیر جوامع الجامع (جلد ۶، ا. احمدی، مترجم). انتشارات دانشگاه تهران.
- طبری، ا. ج. (۱۴۲۲ ق.). جامع البیان عن تأویل آی القرآن (تفسیر طبری) (جلد ۵). دار المعرفه.
- عزیزی، حسین، فلاح زاده، علی محمد؛ مصلحت اجتماعی در فقه امامیه؛ از مفهوم تا ضابطه، فصلنامه دانش حقوق عمومی، سال دهم، تابستان ۱۴۰۰، شماره ۳۲، صفحات ۸۵ تا ۱۰۴.
- غنی نژاد، موسی. (۱۳۸۰). عدالت، عدالت اجتماعی و اقتصاد. بازتاب اندیشه، (۱۵).
- قدرتی، فاطمه (۱۳۹۶): تعارض عرف با آیات و روایات فقهی و راه حل ها، پژوهش های فقه و حقوق اسلامی سال سیزدهم تابستان ۱۳۹۶ شماره ۴۸.
- قرائتی، م. (۱۳۸۵). تفسیر نور (جلد ۹). مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن. تهران.

- قنوتی، جلیل، جعفری هرندی، مهشید. (۱۳۹۹). مبانی ضمانت اجرای نقض حقوق رقابت بر اساس گفتمان فقهی به مثابه سرمایه اجتماعی. مجله علمی "مدیریت سرمایه اجتماعی"، (۴)۷، ۴۸۶-۴۵۷.
- کاشانی، ف. (۱۳۹۵). تفسیر منهج الصادقین (جلد ۹، م. حسینی، مترجم). انتشارات قلم .
- کاظم، قاضی زاده، جنگ و صلح از دیدگاه قرآن، علوم سیاسی ۱۳۸۵ شماره ۳۴
- مبلغی، احمد. (۱۳۸۲). نگاهی به مراحل تکامل فقه شیعه. فقه، ۱۰ (۳۷-۳۸)، ۲۷۴-۳۴۰.
- مسعودی، عصمت، و میرزایی، فرشته. (۱۳۸۸). بررسی تعارض از منظر مکتب اسلام و تئوری های مدیریت. اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)، ۳ (۱) (پیاپی ۵)، ۱۶۴-۱۳۳.
- مصباح یزدی، م. ت. (۱۳۸۵). منطق فهم دین: پژوهشی در باب تعامل عقل و نقل (چاپ سوم). مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- موحدی نیا، مهدی، مظهرقراملکی، علی، و حسینی، سیدمحمد. (۱۳۹۷). اصول و قواعد بنیادین فقهی حاکم بر مذاکره. پژوهش های فقهی، ۱۴ (۳)، ۵۸۱-۶۰۶.
- موسویان، سیدعباس، و خوانساری، رسول. (۱۳۹۵). اجتهاد چندمرحله ای روش پژوهش استنباط مسائل فقه اقتصادی. اقتصاد اسلامی، ۱۶ (۶۳)، ۳۷-۵.
- مهاجری، مریم و عزتالسادات میرخانی، (۱۳۹۸). ظرفیت فقهی قاعده الضرر در رفع ضرر وزیان ناشی از روابط زوجین، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- مهدوی، محمدامین، داداش نژاد، داوود، بهنیافر، احمد، (۱۴۰۰): بررسی عناوین مهم حقوق بشر در قواعد فقهی مذهب امامیه، فقه و تاریخ تمدن، دوره ۷، شماره ۱، بهار ۱۴۰۰ ش .
- میراحمدی، منصور. (۱۳۸۵). مبانی کلامی فقه سیاسی شیعه. آینه معرفت، - (۷)، ۴۱-۱۸.
- نجفی، زین العابدین. (۱۳۹۱). مفهوم شناسی واژه عدالت در فقه امامیه. انسان پژوهی دینی، ۹ (۲۸)، ۱۷۰-۱۴۱.
- هاشمی، سید حسین، (۱۳۸۳): ماهیت و ابعاد خشونت در چشم انداز قرآن، پژوهشهای قرآنی ۱۳۸۳ شماره ۳۷ و ۳۸ ویژه نامه قرآن و آسیب های اجتماعی .
- هوشمند فیروزآبادی، حسین، (۱۳۹۴): قاعده مقابله به مثل در قرآن، حقوق اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۷.
- یوسفی، احمد علی. (۲۰۱۵). تحلیل فقهی رقابت آزاد اقتصادی بر اساس مفهوم متداول آن. فقه و تاریخ تمدن، ۳ (۱)، ۱۶۳-۱۳۱.
- Smith, J. (2020). *Competition and Cooperation: Philosophical Perspectives*. Oxford: Oxford University Press.
- Jones, A., & Robertson, L. (2019). *Competition in Global Markets: Legal Insights*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Miller, T., & Green, A. (2021). *Cognitive Superiority and Decision Making in Social Conflicts*. New York: Psychology Press.